

مَشْدِیا به میدون مُگفتن گل کاری!

رضا سلیمان نوری| مشهدی‌ها به میدان، «فلکه، می گویند، اصطلاح رایجی که همه ما شنیده و از آن استفاده کرده‌ایم اما این تنها اصطلاح برای واژه میدان نیست و مشهدی‌ها در گفت‌وگوهای رایج و آدرس‌دهی هایشان از یک واژه دیگر هم استفاده می کنند، «گل کاری». واژه خوش‌عطروبوپی که پشتش یک قصه و ماجرای قشنگ وجود دارد. قصه‌ای که بخشی از تاریخ شهر را رقم زده است.

تولد نخستین میدان شهر

مشهد در سال های نخست سده چهاردهم خورشیدی و هنگام به سلطنت رسیدن پهلوی اول، تنها دارای یک خیابان بود که البته به‌دلیل قرار گرفتن حرم مطهر رضوی به دو بخش بالا و پایین تقسیم می شد. پس از انتصاب محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، بستری فراهم می‌شود تا او به بهانه برپایی هزاره فردوسی(سال ۱۳۱۳) تغییر ساختار شهر را آغاز کند. در جریان این تغییرات، مدارس، منازل و بازارهای بسیاری تخریب می‌شوند تا ابتدا، فلکه‌های جنوبی و شمالی حضرتی و سپس دو خیابان تهران(امام‌رضا^(ع) کنونی) و طبرسی پا بگیرند، البته این ابتدای کار است؛ زیرا براساس طرحی که اسدی برای آینده شهر ترسیم کرده بود، باید چند خیابان دیگر هم به این مجموع اضافه می‌شد، یکی از این خیابان‌ها «پهلوی» است که البته پس از ایجاد، مردم آن را به‌دلیل قرار گرفتن در محدوده ارگ حکومتی قدیم، «ارگ» می‌خوانند، خیابانی که در چشم‌انداز مشهد نوین و محل استقرار تمام اداره‌های دولتی است.

گام بعدی اسدی، ساخت نخستین میدان‌های کامل شهری است، به‌طوری‌که هم وسایل نقلیه عمومی آن زمان(که همان گلاری و درشکه‌های یک یا چنداسبه بودند) بتوانند با گردش به دور آن، تغییر مسیر دهند و هم از فضای میانی‌اش برای

در معرض دید عموم قرار گرفتن برخی خدمات دولتی استفاده شود.

نخستین این میدان‌ها ارگ است که بلديه در اواخر فروردین ۱۳۱۰ خورشیدی، تصمیم می‌گیرد آن را گل کاری کند. درواقع شهرداری نخستین فضای سبز مشهد را با گل کاری میدان ارگ، رقم می‌زند. جریده اطلاعات از این روز چنین خبر می‌دهد: «از طرف اداره بلدیه، وسط میدان ارگ را مشغول اصلاح و گل کاری می‌باشند و برای اینکه باغچه‌ها پامال نشده و مردم گل‌ها را نچینند، مقرر شده است که اطراف آن را محجر(حصار) چوبی بکشند. برای زیبایی و قشنگی میدان ارگ که گردشگاه عمومی است، این کار به‌موقع می‌باشد». سال ۱۳۱۳ خورشیدی هم تقریباً در میانه خیابان فردوسی، حدفاصل حرم مطهر تا برج و باروی جنوبی شهر(در محدوده چهارراه‌دانش کنونی)، میدان دیگری ساخته می‌شود که نام دقیقی طوسی^۱ را برای آن انتخاب می‌کنند(فلکه آب یا بیت المقدس امروز). اما میدان دقیقی درحالی بدین نام در نشریات و مکتوبات رسمی معرفی می‌شود که از همان ابتدای امر، مشهدی‌ها به‌جای میدان که فارسی شده پلازا بود، لغت دیگری را برای معرفی آن به کار می‌برند، لغتی که برآمده از نحوه زیباسازی این فضای شهری جدید بود.

گل کاری، نه میدان

اگر به نقشه‌های دوران قاجار در مشهد نگاه کنید، می‌بینید که محدوده کنونی میدان مدنظر و اطراف آن به دومین قبرستان بزرگ وقت شهر(پس از قنلگاه) یعنی قبرستان عیدگاه اختصاص داشته است. همین امر هم سبب می‌شود مدیران شهری هنگام تخریب این قبرستان و ایجاد خیابان جدید در محدوده آن، جانب احتیاط را رعایت و از گودبرداری‌های بزرگ در این مسیر خودداری کنند و تنها به حذف سنگ قبور و آجرفرش کردن محدوده مدنظر(آن‌هم با گرفتن تأیید اولیه علمای وقت شهر) بسنده کنند. درمورد میدان نیز تنها یک سازه محدودکننده و نشانه دایره در دور محوطه اولیه میدان ایجاد می‌کنند تا کمترین آسیب ممکن را به قبرستان قدیمی این بخش شهر که تقریباً متروک شده بود، وارد کرده باشند، البته اندکی بعد در آستانه ورود شاهنامه‌پژوهان و فردوسی‌شناسان شرکت‌کننده در جشن هزاره فردوسی به مشهد، برای سروسامان دادن به میدان دقیقی و زیبا جلوه دادن آن، عوامل شهرداری وقت مقداری گل ازجمله تعدادی گل محمدی را در آن می‌کارند. این کار باتوجه‌به اینکه پیرامون حرم مطهر محدوده عمومی دارای گلی در شهر وجود ندارد^۲ به‌شدت با استقبال مردم روبه‌رو می‌شود. کار تا آنجا پیش می‌رود که بسیاری از خانواده‌های محلات عیدگاه و سرشور که به‌دلیل نگرش مذهبی، اهل رفتن به باغ ملی و خیابان ارگ نیستند، از محوطه داخلی میدان دقیقی به‌عنوان یک محل تفریحی و بوستان عمومی استفاده می‌کنند و برای معرفی آن به یکدیگر، آن را «گل کاری، می‌خوانند.



موقعیت گل کاری آب با دقیقی سابق نسبت به حرم مطهر



نامی از گل کاری فلکه آب دهه ۹۰ قمری ۱۳ خورشیدی

مکاتبات رسمی، حذف و «فلکه آب، که بازگوکننده کاربری جدید این محدوده است، جانشین آن می‌شود. برخی مردم پس از اطلاع از این تغییرنام، ترکیب جدید «فلکه آب، را برای معرفی میدان دقیقی می‌پذیرند اما برخی دیگر، ترکیب جدیدی را می‌سازند و نام «گل کاری آب، را به آن می‌دهند. خروج روس‌ها از مشهد، موجب بازگشت نام میدان دقیقی در مکاتبات رسمی به‌عنوان نماد این میدان می‌شود. این کار همراه با تخریب سازه آهنین منبع آب برای بهتر شدن دید مردم به حرم مطهر رضوی و ایجاد حوضی بزرگ به‌جای آن انجام می‌گیرد ولی نمی‌تواند نام دقیقی را در ذهن مردم زنده کند و آن‌ها همچنان برای معرفی این میدان از دوگانه «فلکه آب، یا «گل کاری آب، استفاده می‌کنند. گذشت زمان نیز بر از بین رفتن این دوگانه تأثیری نمی‌گذارد، تاجایی‌که در سال‌های پس از انقلاب نیز باوجود تغییر دوباره نام میدان به «بیت‌المقدس، بازم مردم قدیمی مشهد این محدوده را به همان «فلکه، یا «گل کاری آب، می‌شناسند.

درباره نخستین خانواده پرورش‌دهنده گل در مشهد

و ماجرای عجیب گذاشتن نامشان بر روی یک کوچه که تا هنوز در ذهن قدیمی‌های شهر باقی است

گل کاری؛ مهم‌تر از استانداری!

نوری| اگر جمله «ارزش گل کار بیشتر از استاندار است» را امروز به کسی بگویید، آن فرد بدون شک به شما یک نگاه عاقل‌اندرسنجیه می‌اندازد و رد می‌شود، ولی روزگاری این گزاره، جمله‌ای صحیح در نزد مردم مشهد بوده است. حدود هشتاد سال از زمانی که جمله بالا در همین مشهد مصداق شخصی داشت، می‌گذرد، مصداقی که تا سال‌های سال، آن‌را نه تنها مردم کوچه‌بازار، بلکه مسئولان شهری و کشوری نیز هنگام ارسال نامه‌های رسمی اداری، دانسته‌پانداسته تأیید می‌کردند. حتی مشهدی‌های شصت تا هشتادساله امروزی هم درحالی‌که بیشترشان اصل ماجرا را به‌طور کامل نمی‌دانند و تنها جست‌وگریخته چیزی از پدران یا مادران خود شنیده‌اند، به‌نحوی مهر تأیید برپای این گزاره می‌زنند. بگذارید ماجرای رواج این جمله و ثقل دهان شدنش میان مشهدی‌ها را برایتان این‌طور تعریف کنیم که: «همه‌چیز به همسایگی نخستین خانواده پرورش‌دهنده گل مشهد با استاندار دوره پهلوی برمی‌گردد، اگر نقشه‌های ترسیم‌شده توسط افسران نیروی زمینی ارتش در دی‌ماه



نقش سال ۱۲۲۵ خورشیدی که نام کوچه، گل‌کارا، ثبت شده است



نقش سال ۱۳۳۳ خورشیدی که نام کوچه، گل کار، ثبت شده است

اندرونی و بیرونی، بخشی هم به‌عنوان اداری داشت که در آن، کارهای مرتبط با آستان قدس و وکالت مجلس را انجام می‌داد. دیگر ساکن معروف این کوچه، شجیعی، رئیس عدلیه، در همان سال‌های کودکی من بود. اما معروف‌ترین ساکن کوچه گل کارها، آقای علی منصور بود که در سال‌های نوجوانی من یعنی درست پس از شهریور ۱۳۲۰ به‌عنوان استاندار خراسان و نایب‌التولیه آستان قدس به مشهد آمد و در دوره حضور در مشهد در همین کوچه ساکن بود. یادم هست که پسرهای این سه خانواده یعنی نظام‌التولیه، شجیعی و منصور ازجمله «حسنعلی منصور» که مثل پدرش نخست‌وزیر شد و البته ترورش کردند و کشته شد، باهم در کوچه محل زندگی ما بازی می‌کردند و گاهی که زیاد سروصدا داشتند، پدر یا مادر من توبیخشان می‌کردند. خلاصه کوچه محل تولد من به‌دلیل وجود این آدم‌ها معمولاً محل رفت‌وآمد بزرگان شهر بود.»

خب حالا یک بار دیگر به گزاره ابتدای این متن یعنی «ارزش گل کار بیشتر از استاندار است» توجه کنید. آیا نام‌گذاری کوچه‌ای که در آن استاندار و رئیس عدلیه یا همان دادگستری و نماینده چندین دوره مجلس و عضو بلندمرتبه آستان قدس ساکن هستند، به نام خانواده‌ای که تنها به کار کاشت و پرورش گل اشتغال دارند، معنایی جز این را به ذهن متبادر می‌کند؟



*خراسان پژوه و نویسنده کتاب «همراه با هیمالیا»